

شعاع طبس

آشنایی با جزئیات حمله نظامی

آمریکا به ایران و وقایع آن

۴ اردیبهشت ۱۳۵۹

نویسنده: امیرحسین رضاپور مقدم

حروف نگار و صفحه آراء: امیرحسین رضاپور مقدم

طرح روی جلد: امیرحسین رضاپور مقدم

شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۴۲۴۳-۹

ISBN:978-600-044242-9

سرشناسه	:	رضاپور مقدم، امیرحسین ۱۳۷۲ -
عنوان و نام پدیدآور	:	شعاع طبس: آشنایی با جزئیات حمله نظامی آمریکا به ایران و وقایع آن ۴ و ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹/ نویسنده امیرحسین رضاپور مقدم.
مشخصات نشر	:	تهران: امیرحسین رضاپور مقدم، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۳۷ص: مصور (رنگی).
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۴۲۴۳-۹
وضعیت فهرست نویسی	:	فیفا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۳۶ - ۳۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	:	واقعۀ طبس، ۱۳۵۹.
رده بندی کنگره	:	DSR1۶۵۵/۵/۷ش ۷۱۳۹۴
رده بندی دیویی	:	۹۵۵/۰۸۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۱۰۸۳۹۲

سخن نویسنده

کتاب شعاع طبس متشکل از ۳ بخش می باشد که بخش اول کتاب مقدمه و ۲ بخش دیگر آن شامل ۲ فصل می باشد.

● مقدمه کتاب شامل گذری از تاریخ انبیاء تا حکومت اسلامی است.

● در فصل اول کتاب به بررسی تسخیر لانه جاسوسی (سفارت آمریکا در تهران) به دست دانشجویان پیرو خط امام (ه) پرداخته شده است. که این موضوع دلیل حمله نظامی آمریکا به خاک جمهوری اسلامی ایران می باشد.

● فصل دوم کتاب شامل شرح عملیات طبس (پنجه عقاب) می باشد، که از سوی مقامات آمریکایی طرح ریزی و اجراء گردید و با شکست معجزه آسایی به پایان رسید.

اما شکست نظامی آمریکا در ناکامی جهلری اسلامی ایران در مصادف با انقلاب دینی ملت ایران، یک اتفاق ساده نبود، بلکه این واقعه در شرائطی صورت پذیرفت که مردم این کشور یک کتاب آسمانی و یک شریعت الهی را به عنوان مرجع در راس زندگی فردی و اجتماعی خویش قرار داده بودند. این موضوع اینجانب را بر آن داشت تا با تفحص در این باره، نگارش این کتاب اقدام نمایم. امید است کتاب حاضر مقبول حضرت حق و مورد توجه امن نظر قرار گیرد.

امام حسین رضاپور مقدم

در ماه ۱۳۹۴

۸ سرآغاز



۱۰ مقدمه: گذری از تاریخ انبیاء تا حکومت اسلامی



۱۶ فصل اول: تسخیر لانه جاسوسی و قطع دست استکبار



۲۲ فصل دوم: واکنش‌ات استکبار و معجزه طبس



www.ketab.ir

سرآغاز

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَاللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَآخِلَفِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفَلَكَ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَنَسَجَ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.*

و خدای شما، خدای یکتاست که خدایی مگر او نیست، که بخشاینده و مهربان است. محققاً در خلقت آسمان‌ها و زمین و رفت و آمد آب و باران و کشتی‌هایی که روی آب با آنچه انتفاع خلق در آن است، در حرکتند، و بارانی که خدا (از بالا) فرو فرستاد، و با آن آب، زمین را بعد از مردنش (و نابود شدن گیاهان آن) زنده کرد، و در آن انواع حیوانات را برانگیخت، و در زمین، بادهای به هر طرف، و (در خلقت) ابری که میان زمین و آسمان مسخر است، (در همه این امور عالم که همه با نظام و از برای حکمت است) برای عاقلان، واقعا ادله‌ای (واضح بر علم و قدرت آفریننده) وجود دارد.

قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنَ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ.**

بگو آن کیست که شما را از تاریکی‌های بیابان و دریا نجات می‌دهد.

خدایی که در رود نیل، حضرت موسی (ع) را نصرت می‌دهد و فرعون را هلاک می‌سازد.

خدایی که در صحرای طبرس، مسلمانان ایران زمین را نصرت می‌دهد و فرعون را هلاک می‌سازد.

خدایی که آسمان، زمین، دریا و صحرا را خلق کرد و خود نیز مدیر و مدبر آن می‌باشد. خداوندی که در کتاب آسمانی‌اش به ما وعده داد: ﴿إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ﴾ اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد.

* سوره بقره - آیه ۱۶۲، ۱۶۴

** سوره انعام - آیه ۶۳

*** سوره آل عمران - آیه ۱۶۰

از رسول اکرم (ص) نقل است که: اول کسی را که در قیامت بخوانند، من خواهم بود، پس از جانب راست عرش خواهم ایستاد و حله‌ی سبزی از حله‌های بهشت در من خواهند پوشانید، سپس پدر ما ابراهیم (ع) را خواهند طلبید و از جانب راست عرش در سایه‌ی عرش باز خواهند داشت و حله‌ی سبزی از حله‌های بهشت در او خواهند پوشانید، سپس منادی از پیش عرش ندا خواهد کرد: نیکو پدری است پدر تو ابراهیم (ع) و نیکو برادری است برادر تو علی (ع). (۱)

در مطالب فوق در می‌یابیم که خداوند متعال چه عزت و مقامی به او که رسالت، و به او که بت شکنی، ضد کفر و شرک پیش گرفت، عطا نمود؛ رسالتی که همراه با مجاهدتی بدون واهمه از شیطان صفتی شیاطین صورت گرفت و به پیش رفت. در آن هنگام که پادشاه و جمیع امرا و لشگر و رعایا پس از بازگشت از عیدگاه، بت‌های خود را شکسته دیدند و گفتند: هر که این کار را با خدایان ما کرده است، او از ستمکاران بر خود است و کشته خواهد شد.

در این بین، یکی از اعرابان گفت: اینجا جوانی است که ایشان را به بدی یاد می‌کند و او را ابراهیم می‌گویند. سپس نمرود با قوم خود دربارهی حضرت ابراهیم (ع) مشورت کرد و گفت: ابراهیم را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید اگر یاری کننده هسید.

پیرو این تصمیم، حضرت ابراهیم (ع) را در آتش افکندند. برای نمرود منظر رفیعی ساخته شده بود که از آنجا نظاره‌گر حضرت ابراهیم (ع) باشد که چگونه آتش ایشان را می‌سوزد.

در سوی دیگر، حضرت ابراهیم (ع) بر روی منجنیق پروردگار خود را با سوره اخلاص می‌خواند ﴿يَا اللَّهُ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ نَجَبِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ﴾

سپس حق تعالی وحی فرمود به آتش که ﴿تَوْبَىٰ بَرْدَا﴾ یعنی «سرد باش»، پس در میان آتش، ایشان سرما را احساس نمود و خداوند متعال فرمود: ﴿وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾ یعنی: «و سلامت باشد بر ابراهیم»، سپس جبرئیل آمد و با آن حضرت در میان آتش نشست و مشغول صحبت شدند، در این لحظه اطراف آتش صدایان گردید. (۲)

﴿إِنِّي فِي ذَٰلِكَ لَنَذِيرٌ لِّمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾
در این تذکری است آن را که عقل دارد، یا گوش دل (به کلام حق) فرا دهد، در حالی که حاضر باشد.

نصرت و مقامی که خداوند جهانیان بر پیامبر بت شکن خویش در دنیا عطا نمود، موجب گردید آتش کفار در مقابل ایشان تبدیل به گلستان گردد و معجزه‌ای آشکار برای همه‌گان صورت گیرد تا قدرت بزرگ و حاکم بر دنیا برای همه‌گان آشکار گردد.

روزی از روزها مردی به خدمت امام جعفر صادق (ع) آمد و از ایشان پرسش نمود: به چه دلیل اثبات می‌نمائی بعثت انبیاء و رسل را؟

حضرت فرمودند: ما چون اثبات کردیم به برهان که ما را خالق و صانع است که بلندتر است از ما و از جمیع آفریده‌ها، و او منزّه است از آنکه خلق او را توانند دید، یا او را لمس توانند کرد، یا بر او گفتگو توانند کرد، و دانستیم که او صانع حکیم است و هرچه حکمت و مصلحت بندگان در آن است از او صادر می‌گردد؛ پس ثابت شد که باید سفیران و رسولان از او در میان خلق باشند که کلام او را به بندگان او برسانند، و ایشان را دلالت نمایند بر آنچه مصلحت و منفعت ایشان در آن است، و بقاء ایشان به آن است، و ترک آن موجب فناء ایشان است. پس ثابت شد که باید امر کنندگان او رسانند و ایشان پیغمبرانند و برگزیده‌های او از میان خلق او که حکیمان و دانایانند، و حق تعالی ایشان را به علم و حکمت تأدیّه نموده است و ایشان را مبعوث به حکمت گردانیده است که با سایر مردم شریک نیستند در احوال و صفات ایشان، هر چند به ایشان در خلقت و ترکیب ایشان شبیه و شریکند، و مؤیدند از جانب حکیم علیم به علم و حکمت و دلایل و براهین، سواهد معجزات که دلالت بر صدق دعوی ایشان نماید، از مرده زنده کردن و کور و پیس را شفا بخشیدن و امثال آنها از کور، نه سایر مردم از اتیان آن عاجزند و به این علت این معنی مسمی و جاری است در هر عصر و زمان، پس هرگز زمیر خدا خالق نیست از حجتی از خدا بر خلق، که با او علم و معجزه‌ای باشد که دلالت بر صدق مقال او، و پیغمبری که پیش از او بوده است بکند.

و در حدیث معتبر منقول است که: شخصی از حضرت امام رضا (ع) یا امام علی النقی (ع) سؤال نمود که: به چه سبب حق تعالی حضرت موسی (ع) را با دست نورانی و عت و جلالی چند که شبیه به سحر بود فرستاد، و حضرت عیسی (ع) را با معجزه‌ای که شبیه به طبابت طیبیان بود فرستاد، و حضرت احمد (ص) را به کلام فصیح و خطبه‌های بلیغ مبعوث گردانید؟

آن حضرت جواب فرمود که: حق تعالی چون مبعوث گردانید حضرت موسی (ع) را، غالب بر اهل عصر او سحر و جادو بود، پس آورد به سوی ایشان از جانب خداوند معجزه‌ای چند را که از نوع سحر ایشان بود و مثل آن در قوه‌ی ایشان نبود و جادوی ایشان را بر آنها باطل کرد و حجت را بر ایشان تمام کرد.

و حضرت عیسی (ع) را مبعوث گردانید در وقتی که ظاهر گردیده بود در آن زمان بیماری‌های مزمن و مردم محتاج به طیب بودند، و طیبیان در میان ایشان بسیار بود، پس آمد به سوی ایشان از جانب خداوند با چیزی چند که نزد ایشان مثل آنها نبود، از زنده کردن مرده‌ها و شفا بخشیدن کورهای مادرزاد و پیس به اذن خداوند، حجت را بر ایشان تمام کرد چون ایشان با نهایت مهارت و توانایی از مثل آنها عاجز بودند.

و حق تعالی حضرت محمد (ص) را در زمانی فرستاد که غالب تر بر اهل عصرش خطبه‌های فصیح و سخنان بلیغ بود، و پیشه و کمال ایشان هم چنین بود، پس آورد به سوی ایشان از کتاب خداوند و مواعظ احکام و آنچه قول ایشان را باطل گردانید، و عاجز گردیدند از اتیان به مثل آن، و حجت را بر ایشان تمام کرد. (۳)

چند نکته مهم در رابطه با حکومت اسلامی و جانشینان پیامبر (ص) ...

پس از بعثت پیامبر اسلام (ص)، آن بزرگوار به وسیله وحی از جانب پروردگار و کتاب آسمانی، با قواعد و احکام دین مقدس اسلام، مردم را به این دین مبین دعوت نمودند.

هجرت از شهر مکه به یثرب ...

ایشان پس از هجرت از شهر مکه به یثرب (مدینه الرسول)، با شریعت اسلامی جامعه‌ای نوین بنا نهادند و تشکیل حکومت اسلامی نمودند.

غديرخم - لزوم تشکیل حکومت اسلامی بعد از پیامبر (ص) ...

پیامبر اکرم (ص) در غديرخم، حضرت علی بن ابی طالب (ع) را به عنوان جانشین بعد از خویش معرفی نمودند. که این موضوع دلالت بر انتقال شکست حکومت اسلامی بعد از پیامبر (ص) می‌نماید. لکن بعد از وفات پیامبر (ص) شریعت آسمانی و پرچم اسلام بر دوش فرموده و کنار گذاشته شود.

ویژگی جانشینان بعد از پیامبر (ص)

از امیرالمؤمنین (ع) نقل است که فرمودند: رسول خدا (ص) جانشینان خویش را اینگونه معرفی نمودند: «کسانی که بعد از من می‌آیند، حدیث و سنت مرا نقل می‌کنند و آن را پس از من به مردم می‌آموزند» (۴)

دین اسلام، نسل به نسل، تا به امروز ...

در سرزمین ما، کیان‌ها و سلمان‌ها، در خیمه اهل بیت عصمت و طهارت، علیهم السلام، از پا در رکابان شریعت اسلامی بودند...

پیشینیان ما نیز دین مبین اسلام را از کتاب آسمانی فرا گرفتند، و ما نیز این دین مبین را از همان کتاب آسمانی و از پیشینیانمان آموختیم و وعده خداوند متعال را که به ما فرمود: ﴿إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ﴾ را در سراسر زندگی‌مان تجربه نمودیم و بر این باوریم تا زمانی که در این مسیر صحیح قدم برداریم، یاری خداوند همواره همراهمان خواهد بود.

* اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غالب نیاید! (سوره آل عمران - آیه ۱۶۰)

امام خمینی (ره) نیز حرکت خویش را در زمان قدرتهای بزرگ و سرکوب گر و در میان آنها آغاز نمود. از مبارزات ایشان ضد استبداد، در عصر سرکوب گر پهلوی و سرنگونی این رژیم، تا رهبری ایشان با آرمان های اسلامی در کشور ایران که در تمام این دوران ابر قدرتها و سرکوب گران در نقطه ی مقابل قرار داشتند.

در سوی دیگر نیز، استکبار که با ویژگی های خود برترینی، حق ناپذیری، جنگ افروزی و... تعریف شده است، در سراسر تاریخ در میان نمرودها و فرعون ها رواج داشته است و همواره در مسیر مقابل "حق" حرکت نموده است. انقلاب اسلامی ایران از آنکه یادگار آن امام بزرگوار است، در راستای حق به وجود آمد و از بعثت، غدیر و عاشورا سرچشمه گرفت، و نهایی بیعتات منا الذلت این مسیر، قدرت های درجه ی یک نظامی و سیاسی و اقتصادی دنیا، در چارچوب استکبار را به خشم آورد. تا جایی که موجب گردید دست به دست هم بدهند علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران اقداماتی نماید که تمامی آنان به یاری خداوند بی نتیجه و بیهوده ماند و قدرت الهی و خواست خداوند اینگونه بود که این حرکت بزرگ اسلامی در تلاش کفار دنیا نه تنها از بین نرود، بلکه روز به روز پیشرفت کند، چه در مسائل داخلی و چه در مسیر بین المللی، با آرمان های اسلامی، با گفتار و عمل در بسیاری مقاطع با یاری خداوند متعال به پیش رود.

باید توجه داشت، از دیرباز استکبار جهانی به سرکردگی سلاطین بزرگ بر آن بوده است تا با منطق فرعونى - که سمبل استکبار است - جهان را زیر سلطه خویش درآورد و به عنوان حاکم مطلق و بدون منازع در دنیا حکومت کند و در این راستا طرح مقابله با دین مقدس اسلام را در رأس برنامه های خود قرار داده است؛ و از آنجایی که نظام جمهوری اسلامی ایران به بنیانگذاری حضرت امام خمینی (ره) کانون بزرگ انقلاب اسلامی بوده است، دشمنی بزرگ استکبار جهانی و فرعون زمان را بیشتر به خود دیده است.

اما از اول انقلاب تاکنون رهنمودها و اندیشه های عملی بت شکن عصر، حضرت امام خمینی (ره) و انان الله تعالى علیه بهترین راهگشای ما در اتخاذ خط مشی های سیاسی در مقابله با فرعون زمان بوده است. امام (ره)، همواره مردم مسلمان ایران را به هوشیاری جهت توطئه دشمنان و کارشکنی آنان در جهت تضعیف انقلاب و نظام اسلامی فرا خواندند.

بنیانگذار کییر جمهوری اسلامی ایران، در این باره فرمودند:

ما اعتقادمان این است که آمریکا از اسلام ترسیده است و می خواهد اسلام را به هم بزنند، تصریح هم می کند ... ما روی این اعتقاد با اینها تا آخر باید مبارزه کنیم برای اینکه اسلام همچو تکلیفی برای ما معین کرده است. (۵)

باید بدانیم معمار انقلاب اسلامی ایران، آن کسی که این انقلاب را به دستان داد، در چهار عنوان، توصیه هایشان را در مبارزه با استکبار به مردم ایران و جهان فرمودند که در قسمت زیر به صورت منتخب از این چهار عنوان مطالبی جمع آوری گردیده است.

- ۱- **ایمان و اتکال به قدرت خداوند:** مخالفین ما و شما، دشمنهای ملت، همه جور ابزار جنگی در دستشان بود؛ قدرت در دستشان بود... از آن طرف، پشتیبانی همه جانبه هم از آنها می شد... لکن باید بگویم خدای تبارک و تعالی همه حربه ها را گند برد. (۶)
- ۲- **بیداری و هوشیاری:** ای ملت های مظلوم همه کشورهای اسلامی، ای ملت های عزیزی که در تحت سلطه اشخاصی واقع شدید که خواب شما را تقدیم آمریکا می کند و شما خودتان با زحمت و ذلت زندگی می کنید، بیدار بشوید، برخیزید و بجای ما تضعیف جهان، برخیزید و در مقابل ابر قدرتها بایستید که اگر ایستادید، اینها هیچ کاری نمی توانند بکنند. (۷)
- ۳- **وحدت کلمه، اتحاد و همبستگی:** همبستگی بزرگ است که در رأس تمام همبستگیها است، ملت های اسلامی را باید آنچنان وحدت بخشد که هیچ دولت اجنبی خیال سلطه بر کشورهای اسلامی را بر سر نپروراند. (۸)
- ۴- **قیام برای استقلال:** این احتیاج به دشمن؛ تلخ ترین چیزهایی است که در ذائقه انسان باید باشد... یعنی آنی که در طول تاریخ ما را استضعاف کرده است، در طول تاریخ به ما خوار کرده است، جنایت کرده است... این به نظر انسان، تلخترین چیزهایی است که در ذائقه انسان باید باشد که پس دشمنش پیش آنکه همه چیزش را از بین برده، دست دراز کند... باید ملت ما این تحول را پیدا بکند... روش باید دنبال کار خودش باشد، خودش باید قیام کند و حوایج خودش را برآورد. (۹)